

## رہیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

سعید حمیدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰، صفحه ۳۴۴ تا ۳۷۲ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

بررسی رهیافت های تاریخی عصر پیامبر(ص) با هدف تبیین مولفه های تمدن ساز قرآن، پایدارترین الزامات اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی را پیش روی متفکران و سیاست گذاران قرار می دهد. اهمیت این مطالعه زمانی دو چندان خواهد بود که اذعان گردد، نیل به پیشرفت مقبول و تمدن مطلوب که از آرزوهای مکتوم و یا مصرح مصلحان و خیرخواهان اسلامی می باشد، بدون بازکاوی ارزشهای مدنی منبعث از دوره هجرت نبوی(ص)، تلاشی کم ثمر و گاه بی اثر خواهد بود. لذا این پژوهش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ بدین سوال اصلی است که کدامیک از رهیافت های تاریخی مقارن با هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن نقش آفرینی داشتند؟ بااستناد آیات الهی و مراجعه به منابع کتابخانه ای نتایج نشان می دهد مقارن با هجرت رسول الله(ص)، لزوم تغییر بنیادین و همسو با مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن در تحقق جامعه نبوی(ص) ناگزیر می نمود؛ بنابراین در اندک زمانی تحولاتی همچون لغو تعرب و تقویت تعلق اجتماعی با اتکاء به تحضر و نسخ امتیازات قبائل، حیاتی نوین مبتنی بر نظام شهرنشینی را به ارمغان آورد؛ بطوریکه ضمن دعوت به برابری مدنی، با خلق مفهوم امت اسلامی در سایه اخوت و تدوین قانون اساسی با هدف مسئولیت پذیری شهروندان، انتظام اجتماعی جایگزین زندگی بدوی گردید. سرانجام تامین امنیت با تعیین مرزهای جغرافیای سیاسی و ضرورت کسب دستاوردهای عزت طلبانه برای مومنین، مولفه های تمدن ساز قرآن را در ساختار سیاسی نوینان تقویت نمود.

**کلیدواژه ها:** قرآن، هجرت نبوی(ص)، رهیافت های تاریخی، مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران:

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

## درآمد

هجرت پیامبر اسلام(ص) به سرزمین یثرب که بر پایه محاسبات و ماجراهای خاص و با استناد به داده ها رخ داد و تابع گزینشی آگاهانه بود(زرگری نژاد، ۱۳۸۱ش، ۴۱)، زمینه های جدیدی فراروی ساکنانش نهاد و آنان را علی رغم پیشینه تاریخی و اوضاع سیاسی و اجتماعی بومی، در مدار حمایت از دین جدید قرار داد. لیکن علی رغم این پشتیبانی ها، تحول در شهری که با پیشینه فرهنگی، ادعای سروری داشت، بدون ارائه اصول برتر که قدرت غلبه بر اوضاع گذشته داشته باشد، تحقق نمی یافت. به بیان دیگر این تحول صرفا با شناخت تهدیدها و مهار آنها امکان پذیر بود.

بنابراین آنچه در نخستین دیدار پیامبر(ص) با یثربیان مطرح گردید و سرانجام در قالب پیمان نامه ای ضمانت یافت، از وجود بحران هایی پرده برداشت که در ادبیات امروزی بر عدم پیشرفت اجتماعی و در نتیجه توسعه<sup>۱</sup> نیافتگی سیاسی دلالت دارند. بطوریکه با مطالعه متن معاهدات و برخی اخبار تاریخی، کمابیش می توان تصویری از اوضاع یثرب آن روزگار به دست آورد.<sup>۲</sup>

در این راستا، دوران هجرت نبوی(ص) را می بایست نقطه آغاز تحول مدنی در جزیره العرب و خاصه مدینه محسوب نمود؛ بطوریکه بررسی مبادی این تطورات، مهمترین حوزه از مطالعات تاریخ اسلام خواهد بود. به ویژه لزوم شناسایی آندسته از رهیافت های تاریخی دوره هجرت که در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن موثر واقع شدند، ضرورت بازکاوی این مقطع را دو چندان می نماید. چراکه بازشناسی عوامل شکل گیری و تکوین تمدن اسلامی که محصول تحولی عظیم بر مبنای جهان بینی الهی بود، بدون توجه به الگوی تمدن ساز آیات الهی در گذر از جامعه جاهلی به جامعه نوین اسلامی، تلاشی کم ثمر و احیانا بی اثر خواهد بود. ضرورتی که نه تنها سبب شناساندن اصول تمدن ساز می گردد، مبنایی برای طراحی الگوی توسعه اجتماعی- سیاسی از منظر قرآن بوده که می بایست امروزه در بین مسلمانان و حتی تمامی جوامع مدرن<sup>۳</sup> و پست مدرن<sup>۴</sup> کنونی مورد توجه باشد.

۱. واژه توسعه Development به معنای رشد تدریجی و تطور یافتن، آشکار شدن و از پوسته و غلاف درآمدن است.

معادل

۲. پیامبر(ص) در این پیمان ها بر محورهایی تاکید داشتند که دغدغه بنیادین یثربیان بود و از همین روی با او بیعت کردند. بر پایه گزارش منابع کهن، اینکه به خداوند شرک نوزند، دزدی و زنا نکنند، فرزندانانشان را [از ترس گرسنگی] نکشند، آنان را به غیر پدرانشان نسبت ندهند و از کار معروف سرنیچند، دروغ نگویند و از پیامبر فرمان پذیرند(ابن هشام ۱۳۸۳: ۱۴۳۳) آگاهی پیامبر را از انحرافات اجتماعی آن سرزمین خبر می دهد.

۳. Modern Society

۴. Post Modern

بنابراین اینکه مولفه های تمدن ساز قرآن از حیث اجتماعی و سیاسی کدامند؟ و رسول خدا(ص) با کدامیک از رهیافت های تاریخی<sup>۱</sup> در جهت توسعه این مولفه های تمدن ساز گام برداشتند؟ از دغدغه های مورد توجه این پژوهش می باشد.

از آنجاکه تمدن سازی نیازمند انسانهایی است که خویش را مسئول بدانند، با اراده، جدی و مصمم باشند و نگرشی جهانی داشته باشند؛ همچنین میان باورهای ذهنی، آرمان ها و اندیشه های خویش با واقعیت های محیطی، سازگاری ایجاد نمایند و پیوسته بدنبال تغییر و بسط مدنیت باشند؛ لذا حضرت محمد(ص) با ایجاد این تحولات در تفکر و خواست مردم و معرفی غایت اعلی و آرمانهای برتر، دگرگونی همه جانبه در جامعه اعراب بوجود آوردند. تغییراتی که از نظر جامعه شناسی،<sup>۲</sup> تحولی در ساختارها و بنیادها بود و می توان آنرا مترادف با انقلاب<sup>۳</sup> دانست(روشه، ۱۳۷۰ش، ۲۰).

ایشان باستناد آیات الهی به اصل هدایت روی آوردند و به بنیادی ترین نیاز جزیره العرب یعنی تقویت عناصر ارزشی در زیست انسانی پرداختند.<sup>۴</sup> حضرت(ص) چنان تحولی در اعراب ایجاد نمودند که از مردمی جنگجو و خشن، انسانهایی منضبط و توانمند ساختند. اگر در قبل اسلام، مسئولیت جمعی و قبیله ای به جای مسئولیت شخصی قرار داشت و عمل یک فرد می توانست قبیله ای را به چالش وادارد؛ و این به سبب جزمیت و تعصب قبیله ای بود؛<sup>۵</sup> لیکن بر مبنای اصل قرآنی «هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید»<sup>۶</sup>. بنابراین پیامبر(ص) با اتکاء به مسئولیت شخصی افراد، جامعه ای را بنیان نهادند که در آن فرد و خانواده و امت، جایگزین قبیله و عشیره و سلطنت گردید. البته هرچند نظام قبیله ای به یکدفعه از بین نرفت، ولی در واحدی بزرگتر بنام «امت» که پیروان و پذیرفتگان اسلام بودند ادغام شد و با گرایش دینی هویتی جدید یافت(اشپولر، ۱۳۶۶ش، ۹۸).

۱. Historical Approaches

۲. Sociology

۳. Revolution

۴. نیازهای جوامع سطوح گوناگون دارد. مازلو آنها را چنین طبقه بندی نموده است: ۱. نیازهای فیزیکی و مادی؛ ۲. نیازهای امنیتی؛ ۳. نیازهای اجتماعی که پس از تأمین دو نیاز پیشین و کامل کردن آنها جای می گیرد؛ ۴. عزت و اعتبار؛ ۵. خود شکوفایی.

۵. این صفات در قرآن به «حمیه الجاهلیه» اطلاق می گردد. (ر.ک: فتح/۲۶).

۶. نجم/۳۸

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

لذا اگر به اذعان اندیشه گران، اسلام موفق ترین دین در کاستن فواصل نژادی و قومی بوده است(حتی، ۱۳۶۶ش، ۷۵/۱)، بر این اساس پیامبر اسلام(ص) با تأسی از مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن، ضمن خط بطلان کشیدن به گسست های گذشته، با انتظام بخشی به اجتماع، تقویت مبادی سیاسی و تحت قوانین مدنی، جامعه ای نو در مدینه بنیان نهادند.

### طرح مسأله

آشنایی با مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن در جهت رسیدن به جامعه ای مطلوب توأم با رشد متوازن و در نهایت بنیان مدینه فاضله، از اهداف آرمانی امت اسلامی بوده و از خواست های متقن و پایدار مصلحان و خیرخواهان جوامع اسلامی می باشد. بطوریکه متفکران این حوزه از دیرباز اهتمام ویژه به این مسئله داشته و به فراخور روی کرد و مجال فکری خویش مولفه هایی را بیش از سایرین برجسته نموده اند.

در پژوهش حاضر ضمن اذعان بدین نکته که در پیشرفت مقبول و تمدن مطلوب در یک نظام اجتماعی بالنده، الگوهای تاریخی معرف مولفه های معین و جهت بخشی خواهند بود؛ تلاش شده است ضمن شناساندن سیمای جامعه مدنی در عهد رسول الله(ص)، آندسته از رهیافت های تاریخی، مقارن با هجرت نبوی(ص)، که توانستند برنامه استوار و همسو با مناسبات انسانی<sup>۱</sup> و تمایلات اجتماعی<sup>۲</sup> و اقتدار سیاسی<sup>۳</sup> را برای اعراب جزیره العرب به ارمغان آورند، از نظر خواننده بگذرد.

از این رو هدف مقاله حاضر آنست که ضمن تمرکز به رهیافت های تمدن ساز نظیر توسعه شهری<sup>۴</sup>، پیشرفت اجتماعی و تعیین بخشی به حوزه سیاسی، با رجوع به طرح واره های تمدن سازانه نبی اکرم(ص)، چشم اندازی را بر ارائه مدل مناسب با هدف تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن بگشاید. مولفه هایی چون شهرنشینی بر پایه برابری اجتماعی و نسخ امتیازهای قبیله ای، قانون مداری و فضیلت خواهی که به اذعان محققان جملگی توانستند زمینه پیدایش جامعه ای نو مرسوم به مدینه النبی را فراهم آورند(نصر، ۱۳۵۱ش، ۱۱).

---

۱. Human Relations

۲. Social Tendencies

۳. Political Authority

۴. Urban Development

### پیشینه پژوهش

تاکنون محققین پیرامون زوایای حیات سیاسی و اجتماعی پیامبر(ص) پژوهشهای ارزشمندی انجام داده اند. لیکن تحقیقی مستقل که بتواند با محور قرار دادن دوران سکونت پیامبر(ص) در مدینه نبوی، رهیافت های تاریخی ایشان را در جهت تبیین مولفه های تمدن ساز قرآن معرفی نماید به چشم نمی خورد. بطوریکه برخی پژوهشگران صرفاً با طرح ایده های شهرسازی در آموزه های حضرت رسول(ص)، اجمالاً به برخی احکام مدنی در شهر مدینه پرداخته اند.

از جمله عمر سپاهییک<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در تحقیقی تحت عنوان «برخی دروس مانا و جهانی حضرت رسول در مورد برنامه ریزی و توسعه شهری» به طرح برخی دیدگاه های مدیریتی پیامبر(ص) در باب شهرسازی پرداخته است. پائولو کوئو (۱۳۸۴) نیز در کتابی با عنوان «تاریخ شهرهای جهان اسلام» که توسط سعید تیز قلم زنوزی ترجمه شده بطور مختصر در این باب سخن گفته است. هشام مرتضی (۱۳۸۷) در فصل سوم کتاب «اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام» با ترجمه ابوالفضل مشکینی در مورد برخی موارد ساختار فیزیکی محیط در صدر اسلام مطالبی آورده است. عثمان عبد الستار (۱۳۷۶) نیز در کتاب «مدینه اسلامی» مطالبی را در حوزه اجتماعی مدینه آورده است.

بعلاوه اصغر قائدان (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «مولفه ها و ویژگی های ساختار شهری مدینه در عصر پیامبر(ص)» صرفاً به حوزه بنیان شهر و مبادی معماری سنتی آن توجه نموده است. حسن ستاری (۱۳۸۸) در مقاله «نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول(ص) در شهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی» تلاش نموده است تا ضمن معرفی ملاک های مدیریت شهری پیامبر(ص)، اصول شهرسازی را تبیین نماید. فاطمه جان احمدی (۱۳۹۴) در مقاله «بازخوانی مراحل حیات شهری پیامبر(ص)» ارکان مادی و معنوی این شهر را معرفی می نماید.

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با رویکردی تاریخی، ضمن اذعان به مطابقت رهیافت های پیامبر(ص) با آموزه های تمدن ساز قرآن، نقش مولفه های اجتماعی و سیاسی دوران هجرت در تبیین این عناصر تمدن ساز بررسی گردد.

### چارچوب مفهومی و نظری

#### تمدن

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

«تمدن»<sup>۱</sup> مصدر ثلاثی مزید از باب تفعّل است. به باور برخی واژه پژوهان، ریشه «م د ن» معنای سکونت در جایی را میرساند و واژه «مدینه» نیز برگرفته از آن است(ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۳/۴۰۲). واژه شناسان قرآنی، ضمن اشاره به مفهوم اقامت در ریشه «مدن»، «تمدن» را به معنای تخلّق به اخلاق اهل مدینه دانسته و اشتقاق آن از واژه «مدینه» را انتزاع گرفته اند(همان، ۴۰۳). در تعریف «تمدن» آورده اند: تخلّق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و هجومیت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت(دهخدا، ۱۳۷۷ش، ۵/۶۹۷۲). اما به باور برخی متفکران معاصر، اصطلاح تمدن به معنای تشکل هماهنگ انسانها در حیات معقول همراه با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه ها، جهت پیشبرد اهداف مادی و معنوی و دیگر ابعاد مثبت است.(ر.ک:مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹ش، ۸/۶۲۸). برخی غربیان نیز در تعریف تمدن نوشته اند: «تمدن به معنای نظامی اجتماعی است که خلاقیت فرهنگی را به ارمغان می آورد»(ویل دورانت، ۱۳۷۸ش، ۱/۱۴۶). لیکن به نظر می رسد وجود سازمان و نظم اجتماعی برای پیشرفت مادی و معنوی در جوامع بشری، نقطه مشترک تعاریف بسیاری از دانشمندان در بیان مفهوم تمدن باشد(ساروخانی، ۱۳۷۰ش، ۹۶-۹۵).

### عناصر تمدن اسلامی

تبیین عنوان مقاله و احصاء نتایج آن، بدون شناساندن عناصر تمدن اسلامی ممکن نخواهد بود. بنابراین از آنجاکه اصلیتین معنای مورد توافق محققان در تبیین واژه تمدن «شهرنشینی»<sup>۲</sup> و اقامت است، می بایست توجه نمود که عواملی چون حفظ وحدت(بقره/۱۷۹-۱۷۸)، امنیت و آرامش(حدید/۲۵؛مائده/۴۲؛ حجرات/۹)، همبستگی ملی(آل عمران/۲۰۰) و اخلاق و دین مداری(حدید/۲۵) از عناصر زایش تمدن اسلامی محسوب می گردد(ولایتی، ۱۳۹۲ش، ۲۷). نکته مهمتر اینکه جامعه ای که با اتکاء به عناصر تمدن اسلامی، انتظام اجتماعی را فراهم نماید و بتواند مدنیت و قانون گرایی، مشارکت جمعی، عزت و اقتدار را بعنوان عناصر کارساز به اجتماع مسلمانان ارمغان آورد، سرانجام موفق به تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن خواهد شد.

---

۱. این واژه در میانه سده هجدهم میلادی در برابر بربریت وارد عرصه مکتوبات علمی جهان

گردید.(فرجی، مهدی، نوربرت الیاس و تحلیل تمدنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: ۱۳۹۵)

### مفهوم شناسی رهیافت های تاریخی و جایگاه آن

با توجه به اینکه تعبیر «رهیافت های تاریخی» در عنوان مقاله مورد استفاده قرار گرفته است، لازم است در مورد مفهوم و جایگاه رهیافت های تاریخی در این پژوهش نکاتی ارائه گردد. منظور از رهیافت های تاریخی بررسی آندسته از راهکارها، شیوه ها و الزاماتی است که نبی اکرم (ص) در مواجهه با تبیین پدیده های مدنی، اجتماعی و سیاسی بکار بردند. ضمناً مقارن با هجرت، با متجلی نمودن آنها، شهر مدینه را بواسطه انطباق با مبانی تمدن ساز قرآن به انتظام مدنی رساندند. در این نوشتار تلاش می گردد تا چگونگی استفاده از رهیافت های تاریخی در تحلیل وضعیت سیاسی و اجتماعی دوره هجرت نبوی (ص) مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین معنا که مفروض آنست که زمینه های رشد و توسعه در آموزه های قرآنی مندرج می باشد. بنابراین از دل مبانی قرآنی، نظریه ای نظام مند و سازوار که توانایی ایجاد تغییر در عرصه های اجتماعی و سیاسی جامعه پیامبر (ص) را داشته باشد به منصفه ظهور رسید.

### مفهوم شناسی مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

چارچوب روش شناسی این نوشتار در قالب شناساندن مولفه های اجتماعی و سیاسی دوره نبوی (ص) معنا پیدا می کند؛ چراکه تاریخ تنها شرح رخدادهای سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه در برگیرنده تمام ساخت هایی است که به تحولات و تطورات جوامع انسانی می انجامد. بنابراین شناخت این مولفه ها و بررسی نقش آنها از اهم مطالعات تاریخ اجتماعی و سیاسی محسوب می گردد.

لذا نظر به اهمیت هر دو حوزه «اجتماع» و «سیاست»، لازم است رهیافت های تاریخی هجرت نبوی (ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و مولفه های سیاسی تمدن ساز قرآن بطور جداگانه بررسی گردد. لیکن با توجه به اینکه هجرت پیامبر (ص) از همان روزهای نخستین عمیق ترین تاثیرات را در حوزه اجتماعی مدینه داشته است، ابتدا رهیافت های تاریخی در «تبیین مولفه های اجتماعی» مورد بررسی قرار می گیرد.

### رهیافت های تاریخی هجرت نبوی (ص) در تبیین مولفه های اجتماعی تمدن ساز قرآن

بی تردید نخستین گام در جریان هجرت نبوی (ص) شناساندن مولفه های اجتماعی منطبق با آموزه های تمدن ساز قرآن برای مردمان شبه جزیره بود. بنابراین بررسی آندسته از رهیافت های تاریخی نقش آفرین در تبیین مولفه های اجتماعی تمدن ساز قرآن که ایجاد جامعه ای نوینان را ممکن ساخت، از مهمترین حوزه های مورد بحث در این پژوهش می باشد.

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

### تعیین ساختار اجتماعی<sup>۱</sup>

مطالعات تاریخی نشان می دهد که هجرت، مولفه های اجتماعی ضروری جهت تعیین ساختار اجتماع نو بنیاد را در مدینه فراهم نمود. بطوریکه حضرت(ص) با بیان شاخصه های معرفتی قرآن در گذرگاه هجرت،<sup>۲</sup> مولفه های مهم تمدن سازی را در این شهر معرفی نمودند.<sup>۳</sup> در این بین بررسی مبادی مناسبات انسانی<sup>۴</sup> که جزء ملاکهای تبیین الگوی تمدن ساز بوده و مورد توصیه آیات الهی است، از اهم رهیافت های کارساز پیامبر(ص) مقارن با هجرت به شمار می آید.

### دعوت به همبستگی در اجتماع

دعوت به ایجاد همبستگی بعنوان کارسازترین عنصر تمدن ساز در جهت پیشبرد اهداف جوامع بشری امری واضح است. چنانچه ویل دورانت بر عامل همبستگی اجتماعی بعنوان عنصر شکل دهنده تمدن تصریح دارد(ویل دورانت، ۱۳۷۸ش، ۶۶/۱). چنانکه با همگرایی بین طبقات اجتماعی و تاکید بر گفتمان مشترک<sup>۵</sup>، ضمن شناسایی ظرفیت ها، توان تبدیل استعدادهای بالقوه به بالفعل مضاعف می گردد. ضمناً بواسطه نیروی جمعیت پایبند به قوانین مشترک مدنی، واژه تمدن عینیت یافته و مفهوم مدنیت محقق میگردد.

قرآن در عین حال که مسلمانان را با چنگ زدن به ریسمان الهی از تفرقه برحذر می دارد؛ الفت و اخوت را(بعنوان دو عامل تمدن ساز) دلیل قوام وحدت مؤمنان و از نعمات خاص الهی میداند؛ که سبب رهایی از پرتگاه هلاکت و خُسْرانی که قبل اسلام بدان گرفتار بودند گردید: «وَأَعْتَصِمُوا

---

#### ۱. Social Structure

۲. پیامبر در نخستین دیدارشان با مردم یثرب باستناد آیات از آنان خواستند تا شریکی برای خداوند قائل نگردند.(ر.ک:نساء/۱۱۶؛۴/۸) زیرا بنیان های معرفتی و باورهای اجتماعی موثرترین عامل در رفتار و کنش ملت هاست.

۳. پیامبران برای ایجاد جامعه ای پایدار آمده اند و این هدف هنگامی تحقق می یابد که به تعبیر فوکوتساوا یوکیچی، اندیشمند ژاپنی، فضیلت و معرفت در آن پدید آید. وی درباره جامعه متمدن(توسعه یافته) می گوید: انسان دارای معرفت و فضیلت متمدن است، اما جامعه یا کشوری که در او زندگی می کند به اعتبار برخوردارای همه مردم از این دو خصلت، متمدن شناخته می شود؛ زیرا تمدن از روح همه ملت برمی آید.(یوکیچی، ۱۴۰:۱۳۷۹)

#### ۴. Human Relations

#### ۵. Common Discourse



بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ  
بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا<sup>۱</sup>!

ابن عاشور ضمن اشاره به مصادیق همبستگی در اجتماع مسلمین، در مقام تفسیر این آیه می نویسد هدف اصلی آیه سامان دهی امت و به سازی و نگاه داشت نظام آن برای تکوین جامعه است (ابن عاشور، بی تا: ۳۹/۱). عاملی که می تواند با ایجاد انتظام اجتماعی بر اتقان ابعاد تمدن اسلامی بیانجامد، بی تردید اولین تجلی این همبستگی اجتماعی در تاریخ اسلام مقارن با استقرار پیامبر (ص) در مدینه قابل مشاهده است. شهری که بدلیل تجمع جمعیت کثیری از مسلمین؛ اعم از مهاجر و انصار و بواسطه تنوع اقوام، ادیان و نژادها بیش از همه نیازمند همبستگی در بین اجتماع شهروندان بود. لذا بررسی اصلاحات شهری رسول الله (ص) که بعنوان رهیافت های تاریخی، تقویت همبستگی را برای جزیره العرب به ارمغان داشت، از اهم مباحث خواهد بود.

### نسخ امتیازات قبیله ای

مرزهای نژادی و امتیازات قبیله ای که در جامعه جاهلی اساس اجتماع حجاز بود به مجادلات سیاسی و اجتماعی دامن می زد. لیکن اعلان بطلان این حد و مرزهای رقابتی و کاذب که به تعبیر تاریخی قرآن از حمیه الجاهلیه<sup>۲</sup> نشأت می گرفت، از دیگر تدابیر اجتماعی رسول الله بود که در دوران هجرت به منصفه ظهور رسید. حضرت (ص) برای از میان بردن رقابتهای جاهلی، حدود و امتیازات قبیله ای را یکسره منسوخ نمودند و همه ساکنان شهر را با عنوان جامع «انصار» گرد آوردند و فرمودند: «همه یکدیگر را بدین نام بخوانند؛ چنانچه به مکیان مدینه نشین لقب «مهاجر» دادند (طبری، ۱۴۱۵ق، ۲، ۴۸۳؛ ابن خلدون، بی تا، ۱، ۳۵۶). حضرت (ص) کوشیدند نگرشهای برتری جویانه نظام قبیله را از میان بردارند و زمینه زیست مسالمت آمیز و انسانی را فراهم آورند. ایشان فرمان دادند که دشمنی ها و کینه های موروثی یا دعاوی و مطالبات خونی پیشین فراموش و منسوخ گردد؛ چنانچه پس از این هرکس به رغم قانون و آئین تعریف شده پیش رود، بازخواست و تعقیب خواهد شد و همه ساکنان مدینه در این زمینه با یکدیگر برابرند. مسلمانان مدینه که از تیره ها و قبائل گوناگونی برخاسته بودند به فرمان حضرت با یکدیگر برادر شدند و بدین شیوه عاملی ارزشی بر جای عاملی طبیعی نشست (ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۲/۱۵۰).

### خلق مفهوم امت اسلامی

۶. آل عمران/۱۰۳

۱. فتح/۴۸

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

از آنجاکه قرآن بارها از مفهوم امت واحد سخن گفته است؛ (آل عمران/۱۰؛ بقره/۱۳۳؛ بقره/۱۶۳؛ نساء/۱؛ آل عمران/۱۰۳؛ مومنون/۵۲) واضح است که این اصل اجتماعی، جزء ضروریات هر جامعه بشری و در رأس آن از الزامات تمدن ساز قرآن می باشد. چنانچه آیات الهی با تشریح استوارترین تعالیم برتر، ضمن خط بطلان کشیدن بر معیارهای غلط گذشته همچون افتخار به حسب و نسب، خون و نژاد لیکن بواسطه تاکید بر اشتراکات دینی، امت واحد اسلامی را در صف گفتمان<sup>۱</sup> مشترک قرار داد و با نفی انگیزه های مادی، روح ایمانی را در کالبد امت اسلامی دمید؛ بر فزون طلبی ها پایان داد و تنها تقوا را ملاک فضیلت قرار داد(خوبی، ۱۹۹۶م، ۷۵/۱). آنجا که فرمود:... «أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَى».

در این راستا تلاشهای پیامبر(ص) در جهت خلق نظام شهری مبتنی بر ارزشهای امت واحده قابل توجه است. مفهوم امت در ساختار مدینه مفهومی جامعه شناختی بود. زیرا فراتر از اشتراکات و تعلقات اعتقادی مسلمانان، بر بنیاد همگرایی<sup>۳</sup> مبتنی بر قراردادهای اجتماعی استوار بود. بطوریکه علاوه بر تاثیر آیات الهی در مودت شهروندان مدینه بواسطه تکالیف دینی (مثل نماز) که تجسم عینی مدنیت جامعه اسلامی بواسطه شکل گیری امت اسلامی بود؛ شخص پیامبر(ص) با راهکارهایی نظیر تاسیس مسجد جامع نبوی(شریف قرشی باقر، ۱۳۸۷ش، ۲۲۷)، برقراری اخوت بین مهاجران و انصار(نظری منفرد، ۱۳۸۶ش، ۱۱۹) و پیمان قانون اساسی با یهودیان (همان، ۱۲۱)؛ در کردار و گفتار<sup>۴</sup> خویش، راهبردهای معنادار و جهت بخشی را در عرصه نظری و عملی ترسیم نمودند.

حضرت(ص) با انعقاد نخستین پیمان نامه عمومی ضمن سر و سامان دادن به جامعه نوپای اسلامی، به تحکیم امت واحد اسلامی و ایجاد نظام شهروندی پرداختند و با پیمان نامه های مدنی، حدود و ثغور جغرافیایی و قبیله ای را تغییر داده و به جای آن مرزهای دینی را بنیان نهادند(عبدالجلیل، ۱۳۶۳ش، ۷۵/۱).

---

## ۱. Discourse

۲. حجرات/۱۳

## ۳. Convergence

۴. برای بررسی گفتار پیامبر به دو کتاب نهج الفصاحه که در آن به ضبط کلمات قصار رسول پرداخته شده است و با ترجمه و شرح و تصحیح علی اکبر میرزایی با مقدمه محسن غرویان و توسط انتشارات صالحان قم به تاریخ ۱۳۸۷ به چاپ رسیده و کتاب پیام پیامبر(ص) که مجموعه ای از نامه ها و وصایا و دعاها و تفسیرها و سخنان جامع و فراگیر حضرت و به تلاش بهاء الدین خرمشاهی و مسعود انصاری بوده و در تاریخ ۱۳۸۷ توسط انتشارات علمی فرهنگی تهران چاپ گشته مراجعه شود.

پیامبر(ص) در راستای حفظ وفاق ملی و جلوگیری از شکاف در جامعه شهری، از هیچ استراتژی کنش گر دیگری غفلت نکردند. تاجائیکه حتی دستور به ویران کردن مسجد ضرار را صادر نمودند. ایشان به امر خداوند<sup>۱</sup> بعد از جنگ تبوک، مسجدی را که منافقین برای اجتماعات خویش ساخته بودند، مسجد ضرار خواند و دستور داد با خاک یکسان گردد، تیرهای آنرا بسوزانند و آنجا را برای مدتی محل زباله کنند(ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۵۳۰/۲). انهدام این بنای ظاهراً مقدس که در مدیریت شهری پیامبر(ص) به کانون ایجاد دودستگی میان مسلمانان مبدل شده بود، راهبرد عملی ایشان را در صیانت از امت واحده اسلامی نشان می دهد. چراکه شناخت چهره واقعی دشمن و دوری از سطحی نگری در تشخیص جریانات اجتماعی و سیاسی می تواند موجبات نجات امت اسلام از تهدیدها شده و در نتیجه قوام عناصر تمدن ساز در بین مسلمین تضمین گردد.

در جریان هجرت این رهیافت های تاریخی، در تحولات فکری و فرهنگی مبتنی بر عصیبت اعراب تاثیر گذاشت و محیط تازه ای فراروی آنان نهاد. محیطی که مومنان پرهیزگار را ملزم می کرد در برابر هر مسلمان ستم گری یا خواسته ستم آلود او و یا آهنگ دشمنی و تباهی اش میان مومنان حتی اگر فرزند کسی از آنان باشد، هم داستان به ستیز برخیزند(ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۳۶۹/۲). تلاش در جهت ایجاد امت یکپارچه آنچنان در مدینه دنبال گردید که حتی یهودیان پرشمار مدینه و پیرامون شهر، به شرط اینکه با مسلمانان در دفاع از شهر متفق باشند و به آنان یاری رسانند از حقوق برابری با مسلمانان برخوردار شده اند.(ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۲۷۳/۳). بنابراین دو رهیافت تاریخی با مضامین عقد اخوت و پیمان عمومی بیشترین نقش را در شکل گیری امت واحده داشتند که هر دو جزء راهکارهای عملی پیامبر(ص) در همان سال اول هجرت قابل بررسی است.

### پیمان برادری بین مهاجر و انصار

مدینه تا پیش از ورود رسول خدا(ص) در کشمکش و جنگهای داخلی بین اوس و خزرج<sup>۲</sup> گرفتار بود. این اختلافات درونی، بعلاوه کنش و واکنشهای قبائل ساکن با یهودیان، آسیبهای جدی به اقتدار قبائل عرب و امکانات شهر وارد ساخته بود. لذا بدلیل قدرت طلبی و تشمت آراء، شهروندان از سالهای دور تجربه ساختاری منسجم دور از اختلافات را به فراموشی سپرده بودند. اما با ورود اسلام به شهر و با اتکاء به آموزه های قرآنی که سراسر تاکید بر مساوات و برادری است، مدینه جان تازه ای گرفت و برخلاف گذشته مستعد ائتلاف و همگرایی گردید.

۱. ر.ک: سوره توبه ۱۱۰-۱۰۷.

۲. دو تیره مهم از اعراب یمانی که از مدت ها قبل از اسلام ساکن یترب بودند. (کلبی، محمد، جمهره النسب، به کوشش

ناجی، بیروت، ۱۴۰۷؛ ج ۱/۶۲۱).

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

با اعلان برابری مهاجر و انصار<sup>۱</sup> بعنوان دو طبقه اجتماعی موثر در مدینه، از همان روزهای اول استقرار پیامبر(ص)، شهروندان در مدار دعوت به همبستگی اجتماعی قرار گرفتند. کنشی که عمیقاً در دل و جان مسلمانان رسوخ کرد؛ به اندازه ای که تا زمان آیه ارث<sup>۲</sup> حتی از مال یکدیگر سهم می بردند(ابن حنبل، بی تا، ۱/۲۳۰). بنابراین سنت خونی - خویشاوندی و نژادی از آموزه های دینی تاثیر پذیرفت و مساوات و عدم اتکاء به افتخارات قبائل به تنها قاعده در تعامل اجتماعی بدل گردید(دیاربکری، بی تا، ۱/۳۵۳).

بطوریکه در جهت تحقق این امر مکتوبی نوشته شد: «ان رَسُولَ اللَّهِ كَتَبَ كِتَابًا بَيْنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ مَنْ لَجِقَ بِهِمْ مِنْ أَهْلِ يَثْرِبٍ». (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۲/۳۳۲) این روایت در نقل انس بن مالک، ابن عباس و جابر؛ سه تن از صحابه نامی قابل اعتماد است. اهمیت مدنی این موضوع چنان است که سیره نگاران و مورخان متأخر شیعه نیز این مکتوب را با عنوان «قانون اساسی صدر اسلام» پذیرفته اند. (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق، ۱۲/۱۳۶)

در حقیقت با تشخیص به هنگام از این التزام اجتماعی، پیامبر(ص) برای برون رفت از بحرانهای احتمالی، پیمان نامه ای دینی و دنیوی با عنوان «عقد اخوت» را در سال اول هجرت برقرار ساختند. دراهمیت اخوت بعنوان مفهومی ارزشی همین بس که قرآن نه تنها در روابط مسلمانان بر ضرورت آن تاکید ورزیده، بلکه پیامبران را هم برادر مردم دانسته است.<sup>۳</sup> ضمناً قرآن برادری را نعمت و دستاوردی می داند که مسلمانان به برکت پیامبر(ص) از پس عمری جدایی و درگیری از آن بهره مند شده اند<sup>۴</sup>.

در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «المومن أخو المومن كالجسد الواحد إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذالك فی سائر جسده و أرواحهما من روح واحدة و إن روح المومن لأشد اتصالاً بروح اللّٰه من اتصال شعاع الشمس بها؛ مومن برادر مومن است چونان یک پیکر؛ اگر بخشی از آن شکایت کند درد آن در بقیه پیکر یافت می شود و روحشان از یک روح است و روح مومن پیوسته تر است به خدا از پرتو خورشید به خورشید»(صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ۲۳۹).

مطالعات تاریخی نشان می دهد پیمان مواخاة یا برادری میان نود نفر از اصحاب(۴۵ مهاجر و ۴۵ انصار) برقرار گردید(ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۴/۱۵۱). منابع از پرداختن به جزئیات این پیمان غفلت

۱. در دو آیه از قرآن اصطلاح مهاجر و انصار در کنار هم بکار رفته است. (ر.ک: توبه/۱۰ و ۱۱۷)

۲. انفال/۸

۳. شعراء/۱۲۴-۱۲۳

۴. آل عمران/۱۰۳

نموده اند و مورخان فهرستی از اسامی مهاجران و انصار را که با یکدیگر برادر شدند را آورده اند (همان). در اجرای این قانون، پیامبر (ص) حتی جعفر بن ابی طالب را که در حبشه بود از یاد نبردند و او را با معاذ بن جبل برادر خواندند (همان). ضمناً در برخی روایات آمده پیامبر (ص) میان برخی از زنان نیز پیمان خوهری برقرار کردند (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۱۸/۹).

پیمانی که مسلمانان را با هم برادر و در یاری یکدیگر متعهد می ساخت. چنانچه رسول خدا (ص) فرمودند: «تاخو فی الله اخوین اخوین» (همان). این عهدنامه که بر مبنای نفی انگیزه های قومی و قبیله ای و بر پایه حق و همکاری اجتماعی شکل گرفت، تجلی اصول آیه ۱۰ سوره حجرات گردید. این آیه مومنان را برادر هم خواند و از آنان خواسته تا در صورت بروز مشکل میان خود اصلاح کنند. بر این اساس مردم مدینه، مهاجران را در خانه های خویش ساکن ساختند؛ برسفره هایشان نشانند و اجازه دادند برای امرار معاش، خود را به سختی اندازند. در حقیقت عقد اخوتی که به گفته ابن هشام، پیامبر بدان فرمان دادند (ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۱۵۶/۲)، نوعی التزام به تعهدی گردید که انصار در قبال مهاجران داده بودند (بنگرید به: سمهودی، ۱۳۷۴ق، ۷۸۵/۱).

پیامبر (ص) با این تدبیر مدینه را به شهری ایمانی و آرمانی مبدل نمودند. خداوند نیز آنرا «دارالایمان» نام نهاد و ستود. <sup>۱</sup> چراکه این شهر بر مبنای پاکیزگی و ایمان شکل گرفت. رسول خدا به پاکی شهر شهادت دادند و آنرا «قبه الاسلام» خواندند (بلاذری، ۱۳۹۴ق، ۴۰۱/۱).

عقد مواخاۀ توانست ذائقه عربی مهاجران و انصاری را که سالها وابستگی بی قید و شرطی به نظام عشیره داشتند، متحول نماید. این رویکرد مسلمانان را در هر کجای عالم و با هر رنگ و زبان و فرهنگی، خودی انگاشت؛ و غیر مسلمانان را ولو فرزند پدر او نباشد، بیگانه شمرد. نوشته اند: این معجزه اجتماعی پیامبر (ص) چنان اثر گذار بود که اگر دلایل سلبی مانع نمی شد، ارث بردن از همدیگر نیز جریان می یافت (حتی، ۱۳۶۶ش، ۴۶۲/۱).

### برقراری پیمان عمومی

نظر به تقدم و تأخر تاریخی، پس از عقد اخوت، برقراری پیمان عمومی مهمترین رکن از ارکان توسعه نظام اجتماع شهری محسوب گردید. پیامبر (ص) با اعلام اولین پیمان نامه عمومی یا قانون اساسی مدینه (ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۱۳۷/۲)، نظام شهروندی جدید را با معیارهایی نوین مطرح

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

ساختند. بطوریکه متن این سند در «سیره ابن هشام»<sup>۱</sup> (همان، ۱۴۳/۲) و بسیاری از روایات نقل شده است.

این پیمان برخلاف عقد اخوت که در بین مسلمین نماد یافت، چارچوب مدنی اهل ذمه را مورد توجه داشت. این سند فراتر از اشتراکات و تعلقات اعتقادی مسلمانان، «قبیله های یهودی» و هم پیمانان آنان و حتی «مشرکان» مشمول صحیفه را در بر گرفت. با استناد منابع تاریخی در بند ۲۵ صحیفه تاکید گردید، «یهود بنی عوف» و هم پیمانان آنان با مومنین یک امت اند. یهود به دین خود و مسلمانان به دین خودشان؛ مگر کسی که با پیمان شکنی ستم کند و چنین کسی جزء خود و خاندانش را دچار زحمت نخواهد کرد (ر.ک: همان). چراکه قرآن در فراخوانی فرادینی، همه پیروان ادیان را به پیامی یگانه فرا می خواند. مسلمانان موظفند تا حدی که اصول آنان خدشه دار نگردد، بر اشتراکات توحیدی احترام گذارند.<sup>۲</sup>

مطابق این اصل پیامبر(ص) با پیروان خود و غیر مسلمانان مجلس مشورت تشکیل داد. همگی آنان در خانه انس بن مالک جمع شدند (طبری، ۱۴۱۵ق، ۱۴۰/۲) آنان توافق کردند که جامعه خود را بصورت سازمان یافته اداره کنند (عمید زنجانی، ۱۳۴۴ش، ۷۳). بدین ترتیب پیمان نامه مدینه بصورت یک پیمان عدم تعرضی، وجه دفاعی و امنیتی داشت. آورده اند: ۲۳ ماده آن، مهاجران و انصار را مورد خطاب داشت و قسمت دوم این سند خطاب به یهودیان بود (ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۷۸۰/۳).

لذا این قانون نامه، آراء و منافع تمامی گروههای درگیر در آن زمان را در بر گرفت، تا ضامن امنیت اجتماعی شود. این پیمان جامعه ای جمع گرا ایجاد کرد که حقوقی برابر به شهروندان اعطا شد. این سند انقلابی، پایه و اساس درک اجتماعی و نخستین قانون اساسی مدون و مکتوب در جهان است (زرگری نژاد، ۱۳۸۱ش، ۵۲).

پیامبر(ص) در تنظیم عهدنامه مدینه<sup>۳</sup> ضمن حفظ برتری اسلام، احساس تفاخر و تضادهای قومی و مذهبی را به همزیستی مشترک و دفاع از مرکز حکومت اسلامی مبدل نمودند. (همان) این پیمان نامه که آنرا نخستین قانون اساسی خوانده اند (علیخانی، ۱۳۸۶ش، ۲۱۷). به گونه ای تنظیم شد

۱. متوفای ۲۱۳ یا ۲۱۸ هج

۲. ر.ک: آل عمران ۶ و ۶۴

۳. برای آگاهی کامل از متن پیمان نامه ر.ک: حمیدالله، محمد. (۱۳۶۵). وثائق، ترجمه محمود مهدوی

دامغانی، تهران: بنیاد، ص ۶۹-۶۵.

که پیروان ادیان مختلف به مسالمت در کنار مسلمانان زندگی کنند. چنانچه با مراجعه به بندهای این سند تاریخی، احترام پیامبر(ص) به اصول و قواعد یهودیان نمایان است (ابن خلدون، بی تا، ۶۸۸/۲) بواسطه این قانون با یهودیان مانند مسلمانان رفتار می شد و مسلمانان، یهودیان را همپیمان و جزئی از ملت خود می دانستند؛ چنانچه رفتارشان بر اصل رعایت امنیت اجتماعی استوار بود (عمید زنجانی، ۱۳۴۴ ش، ۹۵). لیکن در این معاهده در برابر اعطای امتیازات، از یهودیان جزء رعایت پیمان عدم تعارض و در صورت لزوم دفاع از شهر خواسته نشد (ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ۱۵۶/۴). همه این اخبار نشان از مساعی پیامبر(ص) در احیای اصل تفاهم اجتماعی در جهت تضمین امنیت اجتماعی است.

### تعیین ساختار شهری<sup>۱</sup>

از آنجاکه اسلام آئینی مدنی است، لذا بیشتر تعلیمات اسلامی در حوزه مدنیت و انتظام جمعی به بهترین وجه خود، در محیط شهری نمود پیدا می کند. بنابراین بررسی معانی و مفاهیم نبوی(ص) در بطن اندیشه قرآنی و کنکاش در مولفه های اجتماعی آن از اهم مطالعات تاریخ اجتماعی صدر اسلام خواهد بود. در همین راستا بازبینی برخی از رهیافت های تاریخی دوره هجرت که در بستر برنامه ریزی محیط شهری پیامبر(ص)، مولفه های تمدن ساز قرآن را متجلی نمود، امری ضروری است.

### تأکید بر مبانی شهرنشینی<sup>۲</sup>

از بررسی تاریخ اعراب برمی آید که کوچ نشینی<sup>۳</sup> بدوی اصلی ترین بستر اجتماعی جاهلیت بود و عرب بادیه نشین زندگی شهرنشینی را تحقیر می کرد (خویی، ۱۹۹۶ م، ۲۰۱). بطوریکه در رسالت پیامبر(ص)، عادت به خصائص اجتماعی همچون اتکاء به ساختار سنتی قبائل و در نتیجه عدم یکجانشینی و کوچ روی، مانعی برای تمرکز بر اصل شهرنشینی و تشکیل جامعه مدنی بود. لیکن آنچه از آیه ۶۱ سوره بقره معنایابی می گردد، آنست که خداوند ضمن توییح نسبت به قوم بنی اسرائیل، دستور زندگی شهری می دهد.

در همین راستای قرآنی، رسول الله(ص) جهت تقویت ساختار شهری در مدینه تلاشهای فراوانی انجام دادند. از آن جمله می توان به وجوب هجرت<sup>۴</sup>، خارج کردن افراد از تعرب به

۱. Urban Structure

۲. The basics of Urbanization

۳. Migration

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

شهرنشینی، مدینه محوری و تحریم رجوع مجدد به بادیه(تعرب)<sup>۱</sup> اشاره کرد(خامنه ای، بی تا، ۳۱۳). هجرت نبوی(ص)، بیش از گذشته زمینه خو گرفتن اعراب را به زندگی مدنی ایجاد نمود و با ظهور و بروز مدنیت و قانون گرایی، نیل به اهداف رسالت در سایه انتظام اجتماعی محقق گردید. چراکه با تقویت نگرش «تحضر» به جای دیدگاه سنتی «تعرب»<sup>۲</sup>، سبب تحول سیستم قبیله ای در راستای تشکیلات نظامند شهری گردید. بطوریکه با اصلاحات نوین و بنیادین پیامبر(ص) این بنیاد نو ظهور منجر به تقویت عناصر تمدن ساز و در نهایت شکل گیری تمدن اسلامی گردید. از آنجاکه مبادی تمدن ساز در تفکر رسول اسلام(ص) بر پایه اصول شهرنشینی متجلی گردید، می توان اذعان نمود که علی رغم ظهور اسلام در بین قبائل مکه، لیکن بدنال هجرت و با کمک انتظام شهری در مدینه شکوفا گردید. تا جائیکه بیشتر اسلام پژوهان با قضاوت گرون بام(گوستاولویون گرون بام) موافق هستند که توسعه دین محمد(ص) کاملاً با زندگی شهری و شهرنشینی مدینه تناسب دارد(ترنر، ۱۳۸۰ش، ۸۰).

### تاسیس مسجد بعنوان نخستین پایگاه شهری

بی تردید مهمترین اقدام عملی رسول خدا(ص) در نماد ساختار شهری، بنیان مسجدالنبی بود که به مثابه کانون تمرین زیست اجتماعی، مبادی شهر و مبانی شهرنشینی را تقویت نمود. چنانچه بنیان این پایگاه عبادی بعنوان نماد ظرفیت سازی اجتماعی - سیاسی، مرجعی برای همدلی و ملجایی برای پایه ریزی اجتماع شهری تحت تدابیر مدنی بود. باستناد آموزه های قرآن که خداوند سازندگان و آباد کنندگان مساجد را ستوده و آنان را امر به بنیان آن نموده است<sup>۳</sup>؛ مسجدی که در مدینه با بنای ساده ساخته شد، همچون نگین انگشتی در شهر پیامبر درخشید. اساساً قرار گرفتن خانه رسول الله(ص) در کنار مسجدالنبی و نیز ساخت خانه های صحابه، پیرامون آن، شکل و ماهیت شهر یثرب را دگرگون کرد. بطوریکه این مکان غیر از عبادت، نقشی چند گانه پیدا نمود. لذا با کارکردهای اجتماعی متنوع نظیر محفل شورایی، قضاوت، تقسیم بیت المال، ملاقات با گروه ها و وفود، عقد پیمان های سیاسی و اقتصادی و حتی مداوا کردن مجروحان جنگی و بیماران، در یک جمله دارالحکومه مسلمانان گردید. چنانچه به گفته هیلن برنند: «مسجد پیامبر(ص) بعدها به لحاظ وفاداری بدین کارکردهای متنوع، وظیفه شناسی خویش را حفظ کرد و با فقدان نهادهای رسمی در دنیای

۱. در منابع روایی به مفهوم «لا تعرب بعد الهجرة» قابل بررسی است. (ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۶۰).

۲. در باور برخی محققان، بادیه نشینی و بدایت که در این معنا آمده، ویژه قوم عرب نیست؛ اما در منابع کهن تنها درباره مردم جزیره العرب بکار رفته است. (المفصل، ج ۱۶، ص ۱۸۰)

۳. ر.ک: اعراف/۳۱؛ توبه/۱۸



اسلام به مانند فقدان بناهای رسمی عمومی نظیر تالار شهر و یا محاکم، نقش آن اهمیت بیشتری یافت. چراکه طی فراگردی طبیعی، به مرکز جامعه اعتقادی جدید تبدیل گردید. (براند، ۱۳۸۳ش، ۴۱)

چراکه حضرت (ص) علاوه بر برگزاری نمازهای پنجگانه در مسجد مدینه، از همانجا به اداره امور پرداختند. به اعزام نیروهای نظامی و پذیرش نمایندگان قبائل اقدام نمودند. قضاوت کردند و منازعات را حل و فصل نمودند. این مسجد تدریجاً به مرکز علمی و فرهنگی مدینه تبدیل شد، دارالشورای مسلمانان در امور عمومی و جنگ و صلح گردید؛ و به مثابه موسسه ای چند منظوره که فعالیت های دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی شهر را بعهده داشت گسترش یافت. می توان گفت از شاخص ترین کارکرد های عینی این مسجد در تبیین ساختار شهری، پناه دادن به حدود هفتاد تن از بی خانمان ها و فقرایی بود که پس از هجرت جایی برای سکونت نداشتند. لذا به دستور پیامبر (ص) برای استقرار آنان در سمت شمالی مسجد یعنی در قسمتی از حیاط، سایه بان یا صفه قرار داده شد. چنانچه این عده در تاریخ «اصحاب صفه» معروف شدند (عسقلانی، ۱۴۰۸ق، ۵۹۵/۸).

در حقیقت پیامبر (ص) چه با توقف در منطقه قبا و چه با استقرار خویش در مدینه، نطفه شهر اسلامی را با طراحی مسجد منعقد نمودند. شهری بزرگ که با مرکزیت مسجد به تکامل رسید و تمام پیچیدگی های یک شهر تمدن ساز در آن لحاظ شده بود. نوشته اند «اگر چه این الگوی کالبدی در بنیان گذاری مکه، پیش تر توسط ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل تجربه شده بود، لیکن پیامبر (ص) در اقدامات اصلاحی خود در نقشه مفهومی مدینه الرسول، مسجد را اولین شاخصه کالبدی قرار داد؛ بطوریکه تا اتمام این مکان، توسعه و تکمیل را در سایر نواحی شهر دنبال نکردند» (قائدان، ۱۳۸۴ش، ۲۷).

گویا اگر قرآن کعبه را بعنوان اولین خانه در ساختار آخرین شهر از تمدن اسلامی منعکس نمود، پیامبر (ص) در جریان هجرت، مسجد را نقطه آغازین مدینه الرسول دانستند و در این مکان، دین خاتم را بعنوان سرآغاز تمدن نو تفسیر نمودند. بطوریکه حقیقت طرح واره مدینه همانند مکه که مسجد الحرام را در کانون توجه جهانیان قرار داده، بواسطه توسعه مسجد پیامبر (ص) انگیزه های شهر جهانی و تمدن ساز را به اجراء درآورد. مقارن با هجرت بافت شهری جدیدی در مدینه

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

پیرامون مسجد نبوی(ص) شکل گرفت؛ کوههای پراکنده مدینه که در شمال کوه سلع قرار داشتند با یکدیگر یکپارچه شدند.

حضرت(ص) در جهت تعیین ساختار شهری در مسجد، عملاً ستاد فرهنگی و خانه تعلیم و تربیت تاسیس نمودند. ایشان برای گسترش اسلام و آموزش قرآن، خانه مخرمه بن نوفل را بعنوان دارالقرآء مرکز تربیت قرار دادند. از این مرکز معلمان قرآن را به خارج از مدینه اعزام می کردند. واقدی گوید: «عبدالله بن ام مکتوم پس از جنگ بدر همراه مصعب بن عمیر وارد مسجد شدند و در دارالقرآء آنجا سکنی گزیدند. (واقدی، ۱۴۰۵ق، ۱/۹۸۲) بی تردید دلیل این تمرکز و مرجعیت را باید در پیوند مسجد و شهروندان جستجو کرد. چراکه مسجد صرفاً مکانی برای ارتباط با خدا نیست. بلکه ارتباط با جامعه و امت در اولویت وظائف این مکان شهری قرار دارد. بطوریکه میان «مسجد النبی» و «اجتماع مدینه» و پیوندی همیشگی و تمدن ساز برقرار گردید.

#### ایجاد تعلق اجتماعی به محیط شهری مدینه

از مهمترین مولفه های اجتماعی که در مدینه با هدف ساختار شهری مد نظر پیامبر(ص) قرار گرفت، تلاش در جهت ایجاد احساس تعلق اجتماعی<sup>۱</sup> مسلمانان نسبت به مدینه بود. امروزه مطالعات نشان داده است که احساس تعلق اجتماعی به افزایش ارتباطات<sup>۲</sup> و مشارکت مدنی در جوامع انسانی منجر می گردد (رفیع پور، ۱۳۷۷ش، ۸۵). ابن خلدون جوهره حیات جمعی را تعلق اجتماعی و روح یاری گری می داند، که این امر در بادیه نشینی از طریق اجتماع افراد بر اساس نظام خویشاوندی حاصل می شود؛ و در شهرنشینی از طریق تاسیس و گسترش نهادها و سازمان های اجتماعی و روابط همسایگی صورت می پذیرد (ابن خلدون، بی تا، ۱/۱۱۷). پیامبر(ص) از همان بدو ورود به مدینه، راهکارهایی ظاهراً ساده اتخاذ نمودند تا در ورای تغییرات ظاهری، خلق یک مفهوم باطنی بنام شهرنشینی محقق گردد.

#### تغییر نام شهر

مطالعه سیره پیامبر(ص) نشان میدهد ایشان تلاش داشتند با گزینش اسامی سازوار با ایده ها و آرمانهای مکتبی، به اصلاح نگرش جامعه و تحول در اندیشه ها بپردازند. بطوریکه مطالعه این نامگذاری ها در حوزه های مختلف از جمله انتخاب نام برای مناطق با اهمیت می نماید<sup>۳</sup>. همچنانکه

---

۱. Sense of Community

۲. Connections

۳. در این مورد بنگرید به مقاله: «نام گذاری در سیره رسول خدا و نقش آن در فرهنگ سازی و هویت بخشی»، اکبر

احمدپور، مطالعات اسلامی-تاریخ و فرهنگ، زمستان ۹۴.

انتخاب نام نیک در سوره حجرات با تعبیر «ولا تنابزوا بالألقاب بئس الاسم الفسوق بعد الایمان»، بعنوان یکی از مولفه های ضروری جوامع انسانی مدنظر بوده است. بر همین اساس انتخاب اسم مناسب برای مکان ها، در هویت سازی جوامع انسانی نقش تعیین کننده دارد و می تواند وابستگی اجتماعی و توجه به ارزشهای ذاتی را برای اهالی آن منطقه به ارمغان آورد.

لذا نخستین گام عملی پیامبر(ص) در جهت ایجاد حس تعلق پذیری اجتماعی در شهروندان نسبت به اولین شهر اسلامی که تمرکز تکالیف دینی و مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی را بر دوش می کشید، تغییر نام شهر به مدینه بود. شهری که پیامبر(ص) بسان بسیاری از اسامی دیگری که تغییر داد، آنجا را مدینه خواند. (مقدسی، ۱۴۱۱ق، ۸۲/۴)

باستناد قول مشهور این شهر در عصر جاهلیت «یثرب»<sup>۱</sup> نام داشت که در لغت از «ثرب» به معنای فساد و تباهی گرفته شده بود. ابن فارس گوید: یثرب برگرفته از تثریب است؛ به معنای سرزنش کردن و تقبیح عمل در چشم فاعل آن. زیرا خداوند عزوجل (از زبان یوسف خطاب به برادرانش در برابر پیشمانی و افسوس آنان از عملکردشان) فرمود: «...لا تثریب علیکم الیوم...» (ر.ک: یوسف/۹۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۵۷/۱).

با بررسی منابع اسلامی واژه یثرب نخستین بار در میان آیات قرآن به چشم می خورد. لیکن به گفته برخی مورخان، این نام از نخستین ساکن آن یعنی یثرب بن قانیه از بنی ارم بن سام بن نوح برگرفته شده است (ابن خلدون، بی تا، ۴۰۸/۲).

باستناد تاریخی نام مدینه در گذشته به ناحیه ای کوچک از یثرب اطلاق می شده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۲۳۹/۲)؛ اما با هجرت پیامبر(ص) بدین شهر پس از چندی نام آن به «طیبه» و «طابه»، به معنای پاکیزه تغییر یافت. چنانچه در اخبار آمده است هنگامی که مسلمانان از غزوه تبوک برمی گشتند؛ پیامبر(ص) با دیدن کوه احد فرمودند: هذه طابه و هذا احد و هو جبل یحبنا و نحبه (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ۱۳۰/۱). براین اساس آنرا «طابه» نیز می خواندند (ابن شمائل قطیعی، ۱۴۱۲ق، ۴۷۵/۲).

لیکن این تغییر ظاهری نشان از استراتژی عمیق دولت پیامبر(ص) بود؛ چراکه وجه تسمیه مدینه النبوی، آئینه ای تمام رخ از ویژگی نخستین شهر اسلامی بوده و نام آن متناسب با جلوه هایی از

---

۱. ذهبی از معدود مورخان است که تصویر دقیق تری از یثرب پیش از اسلام دارد. او بیان می دارد: «در آن هنگام [در قبل از ورود پیامبر] یثرب هنوز شهر نشده بود و روستاهایی پراکنده بود. (ذهبی، تاریخ الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۹۳م، ج ۲، ص ۳۱).

رہیافت های تاریخی ہجرت نبوی(ص) در تبیین مولفہ های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

وجوہ اجتماعی برگرفته از متن دین اسلام است. در حقیقت این نامگذاری نشان از تعمیق شعور و آگاهی شہری بودہ و در جہت روی آوردن بہ مفاہیم مدنی و حیات اجتماعی و نیز الزامات شہروندی ہدف گذاری گردید. مہمتر اینکہ انتخاب نام مستقل و بی پیرایہ برای معرفی پایتخت جہان اسلام، صرفاً یک تغییر ظاہری نبود. بلکہ سرآغاز عینی تغییر از ساخت قبیلہ ای بہ ساخت شہری و مفہوم شہروندی بود. بطوریکہ از آن پس بہ جای شنیدن نام قبائل، با اسامی از قبیل اہل مدینہ، اہل قبا، اہل طائف مواجہ ایم. نام هایی کہ بیانگر تحولات فرهنگی و روی آوردن بہ شہرنشینی در جزیرہ العرب است. (عبدالستار، ۱۳۷۶ش، ۵۴)

ضمناً برخی احادیث نبوی(ص) بر لزوم بہرہ مندی از این تغییرات ظاہری در راستای تحولات باطنی تأکید دارد. چنانچہ ایشان فرمودند: «کسی کہ مدینہ را یثرب نام نہد باید استغفار کند؛ چرا کہ مدینہ پاک است (نظری منفرد، ۱۳۸۶ش، ۱۱۵). مسلمانان ہم بہ تبعیت از رسول خدا(ص) و انتساب این شہر بہ ایشان، آن را «مدینۃ النبی» خواندند. ضرورت این جایگزینی بعنوان رہیافت تاریخی با ہدف تبیین مولفہ های تمدن ساز شہر، از جانب خداوند مورد تأکید قرار گرفت. بطوریکہ برخی آیات فقط از قول منافقان، شہر را با نام یثرب خطاب قرار دادہ اند. چراکہ ہر چند مومنان نام شہر را مدینہ و مدینۃ الرسول نامیدند؛ لیکن منافقان و کسانی کہ در ایمان آنان خللی بود، بہ رغم نہی پیامبر(ص)، از نام یثرب استفادہ می کردند!.

ضمناً قرآن از یثرب بعنوان سرزمینی کہ منافقان با بادیہ نشینان مخالف در خارج از شہر پیوند و ارتباط برقرار کردہ اند یاد شدہ است<sup>۲</sup> این دلائل کتابی و تاریخی بیانگر این نکتہ است کہ در مدینہ بعنوان کانون توجہ مسلمانان، احساس تعلق اجتماعی می توانست اعتماد و حس مسئولیت پذیری شہروندان را در قبال شہر و شہرسازی تقویت نماید.

### رہیافت های تاریخی در تبیین مولفہ های سیاسی تمدن ساز

علاوہ بر شناساندن رہیافت های تاریخی ہجرت نبوی(ص) در تبیین مولفہ های اجتماعی تمدن ساز قرآن(بہ ترتیبی کہ گذشت)، مطالعہ این رہیافت ها در حوزہ مولفہ های سیاسی نیز اہمیت بالایی دارد. بطوریکہ بعلت رابطہ جہت دار اجتماع و سیاست، مطابقت راہکارهای پیامبر(ص) با مولفہ های سیاسی طرح شدہ در آیات الہی مشہود است. چراکہ سیاست گذاری ها بایستی استقلال جامعہ اسلامی را در ابعاد سیاسی (ر.ک: نور/۳۵)؛ فرهنگی (ر.ک: مائدہ/۴۸) و اقتصادی (ر.ک: اعراف/۱۰) تامین نمایند. بی تردید نخستین رہیافت در مولفہ های سیاسی تمدن ساز ہجرت نبوی(ص)، ایجاد

۱. احزاب/۱۳

۲. توبہ/۱۰۱

زمینه حکمرانی در جهت تمرکز بخشی به قدرتهای کنش گر و سرانجام تشکیل دولت مستقل با هدف تضمین اقتدار و توسعه مسلمانان بود. لذا لازم است این دسته از رهیافت های تاریخی مورد بازکاوی قرار گیرد.

### تعیین ساختار سیاسی<sup>۱</sup>

پیامبر(ص) تلاش داشتند تا با شکل دادن به ساختار سیاسی مدینه و با اتکاء به ارکان دولت جدید، مولفه های سیاسی تمدن ساز را بر پایه آموزه های قرآنی به منصفه ظهور برسانند. بطوریکه رهیافت هایی چون التزام به صیانت از حدود و ثغور مرزهای اسلامی، حفظ استقلال داخلی قبائل، دفاع از کیان امت اسلام، به تشکیل حکومت نبوی(ص) انجامیدند و به عینیت بخشیدن در ساختار سیاسی مدینه کمک کردند.

### شناساندن مرزهای جغرافیای سیاسی<sup>۲</sup>

با توجه به اینکه مرکزیت حکومت نبوی(ص) مدینه بود و این شهر خاستگاه نخستین حکومت اسلامی گردید، بنابراین پیامبر(ص) در صدد شدند ضمن تعیین حدود این سرزمین، نشانه هایی برای محدوده سیاسی اسلام تعیین نمایند. این تعیین حد و مرز جغرافیایی بدان جهت بود که تلویحاً به کسانی که از شهر می رفتند یا بدان می آمدند اعلام گردد که موجودیت سیاسی نوین در منطقه شکل گرفته است. (فیرحی، ۱۳۸۵ش، ۲۰۱)

بطوریکه پیامبر(ص) آن محدوده را حرم امن اعلام نموده و فرمودند: «المدینه حرم من کذا إلی کذا لا یقطع شجرها و لا یحدث فیها حدث» (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق/۷۸۲/۴) ایشان در غزوه بدر زمانی که نماز گذاردند، سپس در حق مردم مدینه اینگونه دعا نمودند: «خدایا بنده و دوستدار و پیامبرت ابراهیم برای مردم مکه دعا نمود. اینک بنده و پیامبرت محمد به درگاه تو برای مردم مدینه و عا می کند که به شیر و غله و میوه آنان برکت دهی. خدایا عشق مدینه را در دل ما پیروزان و بیماری مسری را دور گردان... خدایا همانگونه که دوستدار تو ابراهیم مکه را حرمت بخشید، من محدوده مدینه را حرم می گردانم. (واقدی، ۱۴۰۵ق، ۲۱/۱) در تعبیر آمده است: «پیامبر(ص) برای تحکیم کاربست همبستگی شهری ضمن تقدس بخشیدن به سرزمین مکه که در گذشته شاهد دعای ابراهیم شده بود، در مدینه از خداوند خواستند تا این شهر را حرم قرار دهد: «اللهم ان ابراهیم حرم مکه و انا احرم ما بین لابتیها...» (ابن نجار، ۱۴۰۱ق، ۲۶۱/۹) همچنانکه حضرت(ص) میان کوه «عیر» تا

۱. Political Structure

۲. Politicil Geography

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

کوه «ثور» یعنی از شمال تا جنوب مدینه (در طول) و بین دو حره شرقی و غربی(در عرض) را حرم خود اعلام فرمود(ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۵۱۴/۲).

ضمنا در روایتی از رسول الله بیان شده است: «لعنت خداوند بر کسی که در مدینه مشکلی پدید آورد»(ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۶۵۷/۲). بی تردید این اعلان صریح پیامبر(ص) نوعی نقشه راه سیاسی برای امت اسلام بود؛ تا ضمن توجه به کیان شهر در دفاع از حریم مدینه ثابت قدم باشند. چنانچه کعب بن مالک روایت نمود: «رسول الله مرا فرستاد تا بر بلندی های مخیض، الحیفاء، ذوالعشیره و تیم که کوههای مدینه اند نشانه گذاری کنم(سمهودی، ۱۳۷۴ق، ۹۳/۱) حدود مدینه میان دو بازوی آن از خاور و باختر و میان کوه ثور در شمال و کوه عیر در جنوب قرار داشت و وادی العتیق درون حرم مدینه بود.(همان، ۹۸)

### صیانت از استقلال<sup>۱</sup> داخلی قبائل

از ارکان عملی در جهت حفظ سیاسی مدینه، تعیین استقلال داخلی در بین قبائل ساکن بود. بطوریکه سیره نگاران نوشته اند: «پیامبر(ص) واحدهای قبیله‌ای آن روز مدینه را به رسمیت شناختند و استقلال در سنت ها و رسوم داخلی، حق پناهندگی و دیه مشترک این واحدها را تضمین کردند.(ابن هشام، ۱۳۸۶ق، ۵۴۸/۲). بدین ترتیب حضرت(ص) با درایت نوعی نظام سیاسی را طراحی فرمودند که در عین انسجام کلی، بر استقلال داخلی واحدهای تشکیل دهنده امت تأکید داشت. باستناد عبارت «أنتهم امة واحدة علی رباعتهم» که در منابع اشاره شده است.(ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۱۰۷/۲)

اکنون که هر قبیله بر رباع خود یک گروه مستقل بود، با توجه به معنای ربعه که عبارت از حالت و وضعیت پیشین از حیث رسوم و سنن قبیله ای است، مفهوم گفته شده به محترم بودن ترتیبات و سنتهای پیشین اشاره دارد. فلذا مفهوم ربعه یا رباعه در این پیمان معنایی حقرقی و سیاسی خواهد داشت(جعفریان، ۱۳۷۳ش، ۴۷).

در توضیح این اصل بهتر است به بندهای ۳ تا ۱۱ صحیفه پیامبر(ص) توجه نمود. حضرت(ص) با تصریح بنام تک تک قبائل اعم از مهاجران قریش و انصار مدینه، حفظ استقلال درونی و منزلت پیشین آنان را تعهد کردند و تأکید نمودند: «کل طائفه منهم تغدی عینها بالمعروف و القسط بین المؤمنین؛ هر طایفه ای بر اساس معروف و رعایت قسط بین مومنان برای آزادی اسیران خود فدیة خواهند پرداخت».(ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۱۷۵/۳)

این تعابیر که بیانگر تعهدات متقابل قبیله هاست، همراه با ذکر نام یکایک قبائل بوده و این تکرار به معنای مشارکت رسمی آنان در عهدنامه است. تا جائیکه گفته شده: «یهودیانی مانند بنی قریظه، بنی قینقاع و بنی نضیر که در این پیمان نامه بنام قبائلشان تصریح نشده اند، در عین حال که از طریق شبکه پیمانها به یهود مشمول مدینه وصل بودند، در پیمان نامه ای جداگانه به امضاء کنندگان پیمان فوق پیوستند. لذا رابطه ای برابر میان قبائل مدینه برقرار شد. هر یک از رؤسای قبائل فوق بترتیب کعب بن اسد از بنی قریظه، حی بن اخطب از بنی نضیر و مخیریق از بنی قینقاع توافق نامه را امضاء کردند. (سمیح، ۱۳۷۹ ش، ۵۳۵)

### تشکیل دولت در مدینه

از مطالعات تاریخی پیش از اسلام واضح است که ساختار سنتی و قبیله‌گی در دوران جاهلیت با ویژگیهایی چون خشونت‌گرایی در اشکال مختلف مانند چپاول، حمله به افراد دیگر، جنگ و کشتار (ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ۴۲/۷)؛ اسطوره‌گرایی و رواج خرافات (اشپولر، ۱۳۶۶ ش، ۴۵)، انحطاط اخلاقی و فرهنگی (همان)؛ محدودیت منابع اقتصادی و محدودیت زیستگاههای زندگی و لزوم مهاجرت (جعفریان، ۳۵ ش، ۱۶)، از موانع توسعه و تمدن‌سازی در شبه جزیره به شمار می‌رفت. لیکن به برکت آموزه‌های قرآن و دست‌آوردهای هجرت نبوی (ص) و با تشکیل دولت مدرن<sup>۱</sup>، زیرساخت‌های شکل‌گیری دولت پیامبر (ص)، با اصول و بینش‌های جدید پایه‌گذاری گردید. اینکه پیامبر (ص) در نخستین دیدار با یثربیان، برای ضمانت همراهی خویش با آنان، دوازده تن از شرکت‌کنندگان آیین بیعت را نقیب دوازده قبیله خواندند، و با بیان اینکه «انتم کفلاء علی قومکم» (بلاذری، ۱۳۹۴ ق، ۲۵۴/۱۴)، آنان را به سرپرستی افراد قبیله خود فراخواند؛ حاکی از این نکته است که تصمیم داشتند با برانگیختن مردم یثرب به سوی رهبری متمرکز، در شکل سازمانی-هرچند ابتدایی-زمینه را برای پیدایی نظام اسلامی فراهم آورند (براند، ۱۳۸۳ ش، ۹۲). در حقیقت پیامبر (ص) پس از گذار از مرحله تبلیغ ۱۳ سال اسلام در مکه، جامعه اسلامی را وارد مرحله تثبیت نمودند و مقارن با استقرار دولت اسلامی، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی منجر به ظهور تمدن اسلامی گردید (عبدالجلیل، ۱۳۶۳ ش، ۱۱۵).

۱. دولت مدرن بر مبنای کنوانسیون حقوقی دولتهای امریکایی در مونیوید به سال ۱۹۳۳ م، چهار رکن ملت (نیروی

انسانی)، سرزمین (جغرافیای معین)، قدرت سیاسی (حکومت) و حاکمیت را دارد. (رک: ترابی فارسانی، سهیلا، تجار، مشروطیت و دولت مدرن، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴ ش، ص ۹۴۱)؛ قابل توجه اینکه رهیافت‌های تاریخی هجرت، نشان می‌دهد که تدابیر نبوی (ص) چگونه پایدارترین ارکان یک شهر مدرن را در مدینه متجلی نمود.

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

ضمناً رسول الله(ص) با تشکیل حکومت متمرکز، التزام عملی به قانون را با اتکاء به سبک زندگی جدید پایه گذاری کردند (حرّعاملی، ۱۴۱۴ق، ۳۱۸/۱۵). از سویی دیگر آیات الهی با نهی تعرب و بدوی گرای، (که در مباحث گذشته به مصادیق اشاره گردید)، اعراب بادیه نشین را بدلیل دوری از احکام و حدود الهی مزمت نمود<sup>۱</sup> و بدین ترتیب در عرصه سیاست تابع حکومت مرکزی شدند.

بطوریکه دولت نبوی(ص) با تشویق به مبادی مدنیت و ایجاد ظرفیت لازم برای دولت سازی، شرایط را به نفع عناصر سیاسی تمدن ساز قرآن مهیا نمودند. برای نمونه، باستناد آیات الهی و با تحریم نسیء<sup>۲</sup> تغییرات اساسی در شیوه سکونت ایجاد گردید. تحریم نسیء سبب شد که اعراب صحرائشین از تعرب و بادیه نشینی دست بردارند و به شهر روی آورند؛ شهرنشینان نیز به لوازم تمدن و شهرنشینی از جمله برپایی بازارهای دائمی و داد و ستد مستمر در سال ملتزم شدند(حتی، ۱۳۶۶ش، ۸۶/۱). در نهایت سیاست نبوی(ص) و حکمرانی ایشان، زمینه مساعد برای اجرای احکام الهی را فراهم نمود و این دستاورد عظیم آحاد جامعه را مستعد سازندگی و تولید نمود.

#### تعیین نقیب و نمایندگان سرپرست

از رهیافت های تاریخی در عینت بخشیدن به ساختار سیاسی دولت نبوی(ص)، انتخاب نمایندگان از قبائل مدینه بود تا بتوانند با تصدی امور و نظارت بر عملکرد طوایف خویش، به انتظام فکری و عملی مدینه کمک نمایند. چنانچه پیامبر(ص) در ابتدای هجرت، مقارن با پیمان عقبه دوم، دوازده نماینده از مردم شهر برای سرپرستی قوم از سوی خود مردم تعیین کردند. (ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۸۵/۲)

ایشان فرمودند: «دوازده نقیب برگزینید که به کار قوم خویش پردازند. دوازده نقیب برگزیده شد(همان). طبری گوید: آنگاه پیامبر(ص) به نقیبان فرمودند: بر کار قوم خویش هستید و... سرپرست آنهاید(طبری، ۱۴۱۵ق، ۹۵۴/۳) در موقعیت های دیگری نیز پیامبر(ص) در غیاب خود در مدینه جانشین برای شهر بر گزیدند تا امور شهر را ضبط و ربط کند. (عبدالستار، ۱۳۷۶ش، ۵۰) بعلاوه از مهمترین اقدامات عملی دولت پیامبر(ص) با هدف تقویت وجوه سیاست مرکزی، تعیین و اعزام کارگزاران به اقصی نقاط شبه جزیره بود. بطوریکه ایشان پس از گسترش قلمرو

۱. توبه/۹۷

۲. نسیء به عربی:النسیء؛ به معنای لغوی تأخیر انداختن که از سنت های غلط جاهلیت بود. بدین معنا که هر دو و یا سه سال یکی از ماه های قمری را فراموش می کردند؛ تا شاید زمان حج با رونق تجاری و بازارهای آنان مطابقت داشته باشد. (ر.ک: توبه ۳۷-۳۶)



حکومتی، والیان و فرمان روایانی را به مناطق گسیل داشت. باستناد منابع تاریخی مقارن با حکومت نبوی(ص)، معاذ بن جبل والی یمن شد (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۴/۵۶۷) عمرو بن حزم عهده دار ولایت نجران گردید(ابن هشام، ۱۳۵۶ق، ۴/۱۸۷)؛ ابن بازم بر صنعا والی بود (طبری، ۴۱۵ق، ۴/۷۷۸) و عتاب بن اُسَید از جانب پیامبر(ص) فرماند ار مکه گردید (همان).

### افزایش قدرت دفاعی

تقویت توانمندی امت اسلام در ابعاد دفاعی و تجهیزات نظامی به جهت پاسخ قاطع و سریع در برابر بیگانگان از واجبات شرعی و مورد تاکید قرآن است. چنانچه برای مصونیت جامعه اسلامی در برابر دشمنان، مسلمانان از سستی برحذر شده و دستور آمادگی در بعد دفاعی داده شده است.<sup>۱</sup>

اساسا قرآن بارها امت اسلامی را خطاب قرار داده و از آنان خواسته چنان رفتار کنند که اسلام ستیزان، صلابت و اقتدار جامعه اسلامی را دریابند.<sup>۲</sup> بررسی ها نشان میدهد که هجرت، توانمندی دفاعی مسلمین را تمرکز بخشید و مؤلفه های اقتدار و تأمین امنیت امت اسلامی، بعنوان بایسته های اعتلای تمدن اسلامی در مدینه ظهور یافت. لذا پیامبر(ص) مقتدرانه در جهت حفظ موجودیت و بقای مسلمانان، در عرصه سیاسی و نظامی حضور یافتند. موضوعی که منطبق روشن قرآنی از آن پشتیبانی می کند..

اولین استراتژی پیامبر(ص) در حفظ کیان مدینه این بود که از اواخر سال نخست هجرت، با قبائلی که در مسیر بازرگانی حجاز به شام بودند، مذاکراتی نموده و با انعقاد پیمان نامه هایی، مقرر گردید حریم مسیرهای تجاری مورد تجاوز قرار نگیرد(مبارکفوری، ۱۳۸۲ش، ۲۴۱-۲۳۷).

لیکن با آغاز سال دوم هجرت و هجوم نظامی دشمنان بر علیه اسلام، تقویت قوای نظامی در اولویت قرار گرفت. بطوریکه ساخت خندق بعنوان سازه شهری در مدینه از رهیافت های تاریخی در تبیین مولفه های سیاسی تمدن ساز و اقتدار آفرین بود. منابع بیانگر است که مدینه از شرق تا جنوب و غرب در محاصره حره ها<sup>۳</sup> یا سنگهای آتشفشانی قرار داشت و تنها از سمت شمال آسیب پذیر بود. بنابراین در مناطقی که امکان هجوم برای مهاجمان مهیا بود، بناهای دفاعی نیز به استحکام بیشتری نیاز داشت. در جنگ احزاب با پیشنهاد سلمان فارسی در جانب شمال، خندقی به طول سه

۱. انفال/۶۰.

۲. توبه/۱۲۳.

۳. «حرّه» به معنای «سنگلاخ» که این زمینها بعلت وجود سنگهای آتشفشانی غیر قابل نفوذ بوده است. (ابن منظور، ماده حرّه)

رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن

کیلومتر حفر شد(سمهودی، ۱۳۷۴ق، ۱/۱۰۵). پیامبر(ص) هر قسمت را به قبیله ای اختصاص دادند و طی ده روز کار شبانه روزی اهالی، حفر خندق پایان یافت(ابن نجار، ۱۴۰۱ق، ۱/۷۷۰).

اهمیت حصن و قلاع هم در صیانت از شهر مورد توجه پیامبر(ص) بود. چنانچه وقتی یهودیان از مدینه اخراج شدند، مسلمانان خواستند قلاع آنان مانند قلعه بنی نضیر، بنی قینقاع و بنی قریظه را که در سمت جنوب و معروف به «اطم» بودند، تخریب کنند(ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۳/۶۴۷). لیکن پیامبر(ص) اجازه ندادند و فرمودند: «اینها زینت مدینه هستند»(همان).

از آن پس برخی از قبائل عرب مسلمان به تقلید از یهودیان اطم هایی مانند بنی ضحیان، جذمان و.. ساختند (همدانی، ۱۴۱۵ق، ۳/۱۲۴). با این اوصاف ظهور اقتدار مسلمانان که از توأسی قرآنی است، با هجرت آغاز گردید؛ و مسلمین پیوسته از کیان دیانت و سیاست جهان اسلام دفاع نمودند.

### نتیجه

در این پژوهش تلاش گردید تا با رویکردی تاریخی، به یکی از اساسی ترین سوالات عصر هجرت رسول الله(ص) پاسخ داده شود؛ و آن اینکه کدامیک از رهیافت های تاریخی حضرت(ص) در شکل گیری و تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن موثر واقع گردید. بررسی اقوال مورخان و سیره نگاران نشان داد که هجرت پیامبر(ص) با اتکاء به مبادی تمدن سازانه قرآن و با ادراک به هنگام، از نیازها، فرهنگ ها و داشته ها استوار بود. بنابراین پیامبر(ص) توانستند با طرح الگوی جامع، انتظارات شهر مدینه را محقق نموده و در اندک زمانی دگرگونی شگرفی در آن سرزمین و بلکه در سراسر جزیره العرب پدید آمد.

رسول خدا(ص) در گام نخست با ارائه پاسخ مستدل به دغدغه مندی های جامانده از دوره فترت که جامعه جاهلیت را می آزرده، بر ارزش های اجتماعی و اصول مدنی قرآن تاکید نمودند و بر پایه انتظام اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی، شهری نو بنیان نهادند. حضرت(ص) با اعلان نسخ بر امتیازات قبیله ای، دستاوردهایی همچون وفاق و وحدت، همکاری و تعاون، اخوت و همزیستی، قانون مداری و فضیلت خواهی را به ارمغان آوردند. ایشان ضمن آرایش اجتماعی نیروهای کنش گر، شهروندان مدینه را به تعلق پذیری اجتماعی رهنمون نموده و آنان را در عرصه تعمیق روابط اجتماعی یاری رساندند.

بعلاوه نظر به پیوند ناگسستنی اجتماع و سیاست، رهیافت های تاریخی دولت پیامبر(ص) بعنوان کارسازترین ابعاد سیاسی، در تبیین مولفه های تمدن ساز قرآن نقش آفرینی نمود. بطوریکه حضرت(ص) با عینیت بخشیدن به حدود و ثغور حکمرانی خویش و ضمن اعلام مسئولیت های

طوائف، موجبات ساختار پذیری سیاسی آنان را فراهم کرده و ضمن تلاش در جهت رفع موانع استراتژی، مدینه را به خاستگاه شکل گیری تمدن اسلامی مبدل نمودند.

### منابع

#### قرآن کریم

۱. ابن حجر عسقلانی (۱۴۰۸ق)، *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، التزام عبدالرحمن محمد، بیروت، دار احیاء.
۲. ابن حنبل، احمد (بی تا)، *المسند*، بیروت، دارصادر.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن (بی تا)، *تاریخ ابن خلدون*، عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
۴. ابن شمائل قطیعی البغدادی، عبد المومن (۱۴۱۲ق)، *مراصد الاطلاع علی أسماء الأمکنه و البقاع*، بیروت، دارالجلیل.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر (بی تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۶. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر دمشقی (۱۴۰۸ق)، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفه.
۷. ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
۸. ابن نجار، حافظ بن محمود (۱۴۰۱ق)، *أخبار المدینه الرسول*، تحقیق صالح محمد جمال، مکه، مکتبه الثقافه.
۹. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک (۱۳۵۶ق)، *السیره النبویه*، تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره، انتشارات المدنی.
۱۰. اشپولر، برتولد (۱۳۶۶ش)، *جهان اسلام*، ترجمه قمر آریان، تهران، امیر کبیر.
۱۱. براند، روبرت هیلن (۱۳۸۳ش)، *معماری اسلامی، شکل، کارکرد، معنی*. ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران، روزبه.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۳۹۴ق)، *الانساب الاشراف*، محمد باقر نجمودی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۳. ترنر، برایان اس (۱۳۸۰ش)، *ویر و اسلام*، ترجمه حسین بوستان، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۴. جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۶ش)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران، دفتر نشر معارف.

- رهیافت های تاریخی هجرت نبوی(ص) در تبیین مولفه های اجتماعی و سیاسی تمدن ساز قرآن
۱۵. جعفریان، رسول(۱۳۷۳ش)، *تاریخ تحول دولت و خلافت*، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
۱۶. حتّی، فیلیپ خلیل(۱۳۶۶ش)، *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات آگاه.
۱۷. حرّ عاملی، محمد بن حسین(۱۴۰۳ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، موسسه آل البیت.
۱۸. خامنه ای، علی(بی تا)، *درس هایی از نهج البلاغه*، تهران، انتشارات سید جمال.
۱۹. خوبی، ابوالقاسم(۱۹۹۶م)، *البيان فی تفسیر القرآن*، نجف، مطبعة الاداب.
۲۰. دورانت، ویل(۱۳۷۸ش)، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۷ش)، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. دیاربکری، شیخ حسین(بی تا)، *تاریخ الخمیس فی احوال أنفس النفیس*، بیروت، دارصادر.
۲۳. ذهبی، شمس الدین(۱۹۹۳م)، *تاریخ الاسلام*، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۴. روشه، گی(۱۳۷۰ش)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
۲۵. رفیع پور، فرامرز(۱۳۷۷ش)، *آنانومی جامعه مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۶. زرگری نژاد، غلامحسین(۱۳۸۱ش)، *تاریخ تحلیلی اسلام*، قم، انجمن معارف اسلامی.
۲۷. ساروخانی، باقر(۱۳۷۰ش)، *درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان.
۲۸. سمهودی، علی بن عبدالله(۱۳۷۴ق)، *وفاء الوفاء*، تحقیق محی الدین عبدالحمید، القاهرة.
۲۹. سمیح، عاطف(۱۳۷۹ش)، *محمد در مدینه*، ترجمه محمد انصاری، تهران، جام.
۳۰. شریف قرشی، باقر(۱۳۸۷ش)، *زندگانی پیامبر اعظم(ص)*، هاشمی تبار، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۳۱. صادقی تهرانی، محمد(۱۳۶۵ش)، *الفرقان فی تفسیر القرآن و السنه*، قم، فرهنگ اسلامی.
۳۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر(۱۴۱۵ق)، *تاریخ طبری*، چاپ چهارم، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۳. عبدالجلیل، ج.م.(۱۳۶۳ش)، *تاریخ ادبیات عرب*، ترجمه آ.آذرنوش، تهران، امیر کبیر.
۳۴. عبدالستار، عثمان محمد(۱۳۷۶ش)، *مدینه اسلامی*، ترجمه علی چراغی، تهران، امیر کبیر.

۳۵. علی اکبر (۱۳۸۶ش)، «تحلیل سیاسی جنگهای پیامبر(ص) راهبردی برای امروز»، مجله پژوهش نامه علوم سیاسی، شماره دوم.
۳۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۴۴ش)، *اسلام و همزیستی مسالمت آمیز*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. فیرحی، داوود (۱۳۸۵ش)، «دولت-شهر پیامبر»، مجله علمی پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۷۳.
۳۸. قائدان، اصغر (۱۳۸۴ش)، *تاریخ و آثار اسلامی مکه مکرمه و مدینه منوره*، تهران، مشعر.
۳۹. مبارکفوری، صفی الرحمن (۱۳۸۲ش)، *باده ناب*، محمد بهاء الدین حسینی، سنندج، کردستان.
۴۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۹ش)، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم/دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. مقدسی، محمد بن احمد (۱۴۱۱ق)، *احسن التقاسیم*، قاهره، مکتبه المدبولی.
۴۲. نصر، سیدحسین (۱۳۵۱ش)، *علم و تمدن در اسلام*، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۳. نظری منفرد، علی (۱۳۸۶ش)، *تاریخ اسلام رسول اکرم از هجرت تا رحلت*، قم، انتشارات جلوه کمال.
۴۴. واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۴۰۵ق)، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونز، بیروت/الأعلمی للمطبوعات.
۴۵. ولایتی، علی اکبر و همکاران (۱۳۹۲ش)، *تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، تهران/امیرکبیر، چاپ چهارم، جلد یک.
۴۶. همدانی الحازمی، ابوبکر محمد بن موسی (۱۴۱۵ق)، *الأماكن أو ما اتفق لفظه وافتقر مسماه من الأمكنه*، تحقیق حمد بن محمد الجاسر، بیروت، دارالیمامه.
۴۷. یوکیچی، فوکوتساوا (۱۳۷۹ش)، *نظریه تمدن*، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، نشر گیو.